

## متاآنالیز چندسطحی رابطه بین آزادسازی مالی و توزیع درآمد

**DOI: 10.22059/jte.2022.329472.1008529**

محمدباقر شیرمهنجی<sup>۱\*</sup>، مهدیه مرادی زاده<sup>۲</sup>، محمدجواد نوراحمدی<sup>۳</sup>

۱. کارشناس ارشد اقتصاد اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، bshirmehenji@gmail.com

۲. کارشناس ارشد اقتصاد اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، mahdiyeh.moradzadeh@gmail.com

۳. استادیار گروه اقتصاد نظری، دانشگاه علامه طباطبائی، mjnourahmadi@gmail.com

نوع مقاله: علمی پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

### چکیده

بررسی رابطه بین آزادسازی مالی و توزیع درآمد در دهه‌های اخیر مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است، اما نتایج تحقیقات انجام شده ناهمگون و حتی متناقض است. برای بررسی و نتیجه‌گیری از این نتایج متفاوت، این مطالعه از روش متاآنالیز چندسطحی استفاده می‌کند. به این منظور، پس از بررسی محتوا و نتایج مطالعات تجربی حوزه آزادسازی مالی و توزیع درآمد و فیلتر آن‌ها براساس پروتکل متاآنالیز، ۲۸ مطالعه بین‌کشوری شامل ۵۹۱ رگرسیون و ۷۵۳ ضریب برای ورود به تحلیل انتخاب شدند و مطالعاتی که متناسب با پروتکل نبودند، یا اطلاعات آن‌ها برای استخراج داده کافی نبود، حذف شدند. نتیجه ترکیب و برآیندگیری مطالعات منفرد نشان داد با در نظر گرفتن تورش انتشار، رابطه‌ای منفی و کوچک بین آزادسازی مالی و نابرابری درآمد وجود دارد. همچنین نتایج مطالعه نشان می‌دهد شاخص‌های مورد استفاده برای اندازه‌گیری آزادسازی مالی و توزیع درآمد، دوره زمانی، نمونه کشورها، وجود یا نبود متغیرهای توسعه مالی، رشد اقتصادی، دموکراسی، بحران مالی، آموزش، کیفیت نهادی، تعداد نیروی کار، اتحادیه‌های کارگری، تورم، آزادی تجاری، فناوری و هزینه‌های دولت در مدل مورد بررسی مطالعات منفرد، برای توضیح تفاوت در یافته‌های مطالعات منفرد مؤثر است.

طبقه‌بندی JEL: D63, F36, G15.

واژه‌های کلیدی: آزادسازی مالی، توزیع درآمد، رویکرد متاآنالیز، متاآنالیز چندسطحی.

## ۱. مقدمه

پیشرفت فناوری و جهانی‌شدن عموماً به‌عنوان دو عامل اصلی رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند. به‌طور کلی می‌توان پیشرفت فناوری را ابداع روش‌ها و گسترش ایده‌های جدید دانست که بهره‌وری و کارایی را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، جهانی‌شدن به‌عنوان یک کاتالیزور تغییرات فناورانه عمل می‌کند که انتشار ایده‌ها و روش‌ها را در سراسر جهان از طریق بازبودن تجارت و آزادسازی مالی تسهیل می‌کند (بونگ و پرماتن، ۲۰۱۹). اگرچه این عوامل محرک رشد اقتصاد جهانی در دهه‌ی اخیر هستند، پیامدهای توزیعی آن‌ها کمتر بررسی شده است. از آنجا که افزایش نابرابری درآمد در اکثر کشورها طی دو دهه‌ی گذشته یکی از مهم‌ترین چالش‌ها برای سیاست‌گذاران بوده، موضوع نابرابری درآمدی اخیراً اهمیت خود را در ادبیات باز یافته است. درک علت نابرابری درآمد برای تدوین سیاست مناسب برای کاهش شکاف طبقاتی دارای اهمیت بسیار است. افزایش نابرابری ممکن است منعکس‌کننده‌ی دسترسی نابرابر به فرصت‌های اقتصادی برای همه باشد. این عدم تقارن ممکن است با جلوگیری از عوامل اقتصادی برای استفاده‌ی کامل از فرصت‌های جدید ایجاد شده توسط آزادسازی مالی و همچنین با محدود کردن ظرفیت تولیدی یک اقتصاد و عدم تخصیص مجدد (یا به‌کارگیری) سرمایه و نیروی کار، پتانسیل رشد اقتصاد را محدود کند (مالیک و همکاران، ۲۰۲۰؛ کومار و پارامانیک، ۲۰۲۰). بنا بر آنچه بیان شد، اهمیت دو متغیر آزادسازی مالی، توزیع درآمد و رابطه‌ی بین آن‌ها روشن شد. با توجه به توسعه‌ی اقتصاد صنعتی و افزایش جریان‌های بین‌المللی سرمایه‌ی بین‌مرزی، آزادسازی مالی یا جهانی‌سازی اقتصادی به ویژگی مهمی در اقتصاد جهان تبدیل شده است. با وجود این، ممکن است توسعه‌ی فناوری، رشد درآمد و رشد تولید به نفع همه‌ی طبقات در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نباشد. در این راستا، بررسی تأثیر آزادسازی مالی بر نابرابری درآمد در مطالعات اخیر جلب توجه کرده است، اما در مورد تأثیر آن اتفاق نظر وجود ندارد. بررسی این مطالعات نشان می‌دهد نتایج این مطالعات با توجه به شاخص‌های مورد استفاده برای اندازه‌گیری آزادسازی مالی و توزیع درآمد، دوره‌ی زمانی، نمونه کشورها، در نظر گرفتن یا نگرفتن متغیرهای توسعه‌ی مالی، رشد اقتصادی، دموکراسی، بحران مالی، آموزش، کیفیت نهادی، تعداد نیروی کار، اتحادیه‌های کارگری، تورم، آزادی تجاری، فناوری و هزینه‌های دولت در مدل مورد بررسی و استفاده از روش‌های مختلف اقتصادسنجی بسیار متفاوت است؛

به نحوی که تعدادی از مطالعات (کورنیا و کیسکی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱؛ بردلی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۳؛ مالر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴؛ آنگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰؛ عالمان<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱؛ ژائوموت<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۳؛ آستریو و همکاران، ۲۰۱۴؛ فورچری و لونگانی، ۲۰۱۵؛ دهان و استورم<sup>۷</sup>، ۲۰۱۷) گزارش می‌دهند که آزادسازی مالی، نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد. برخی دیگر این نتیجه‌گیری را زیر سؤال می‌برند و نتایج معکوسی به دست می‌آورند (گرینوود و یوانوویچ<sup>۸</sup>، ۱۹۹۰؛ بک<sup>۹</sup> و همکاران ۲۰۰۷؛ ابیاد<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۰۸؛ آنیلو<sup>۱۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۲؛ لی و یو<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۴؛ دلیس و همکاران، ۲۰۱۴). برخی مطالعات نشان می‌دهند رابطه بین آزادسازی مالی و نابرابری درآمد، غیرخطی است (جلیلیان و کریک پاتریک<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۲؛ صلاح‌الدین<sup>۱۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۴؛ سالم و یارمحمدی، ۱۳۹۸). با توجه به این نتایج مختلف، این سؤالات پیش می‌آید: اثر واقعی آزادسازی مالی بر توزیع درآمد چگونه است؟ برآیند نتایج مطالعات تجربی حوزه آزادسازی مالی، چه رابطه‌ای بین آزادسازی مالی و توزیع درآمد را نتیجه می‌دهد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها و تبیین نتایج متناقض، این مطالعه از روش متآنالیز چندسطحی<sup>۱۵</sup> استفاده می‌کند.

سازمان‌دهی بخش‌های بعدی مقاله بدین صورت است که ابتدا مبانی نظری مربوط به رابطه آزادسازی مالی و توزیع درآمد مطرح می‌شود. در ادامه به مطالعات و تلاش‌های تجربی پیشین در خصوص رابطه مورد بررسی، پرداخته می‌شود. بخش بعد به معرفی روش متآنالیز و فرایند اجرای آن اختصاص دارد. بعد از انجام آزمون‌های مربوط به متآنالیز، نتایج ترکیب مطالعات منفرد<sup>۱۶</sup> در قالب متارگرسیون<sup>۱۷</sup> تخمین و تفسیر

1. Cornia & Kiiski
2. Bradley
3. Mahler
4. Ang
5. Alemán
6. Jaumotte
7. De Haan & Sturm
8. Greenwood & Jovanovic
9. Beck
10. Abiad
11. Agnello
12. Li & Yu
13. Jalilian and Krik Patrick
14. Salah Uddin
15. Multilevel of Meta-Analysis
۱۶. منظور از مطالعات منفرد، مطالعات منتخبی است که نتایج آن‌ها برای ورود به متآنالیز استخراج شده است.
17. Meta-regression

می‌شود. در بخش پایانی نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

## ۲. مبانی نظری

فرایند آزادسازی مالی به سطوح توسعه اقتصادی، عمق بازارهای مالی، ساختار نهادها، سیستم حقوقی، مدیریت و عوامل دیگر در کشورها بستگی دارد. این فرایند در بسیاری از کشورها با هدف تخصیص بهینه پس‌اندازها، افزایش مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری، رشد سریع‌تر و افزایش بازدهی سهام انجام می‌شود، اما شدت و طول دوره آن در این کشورها متفاوت است. با این حال، آثار مطلوب آزادسازی مالی ممکن است به نفع همه اقشار مختلف جامعه در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نباشد. از طرفی کاهش شکاف درآمدی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها برای سیاست‌گذاران اقتصادی و دانشگاهیان است. اگرچه مطالعات زیادی اثر آزادسازی مالی بر نابرابری درآمد را بررسی کرده‌اند، در مورد تأثیر آن اتفاق نظر وجود ندارد (کراتو و گواید، ۲۰۱۶). مدل‌های اقتصادی نئوکلاسیک معمولاً پیش‌بینی می‌کنند که آزادسازی مالی باید نابرابری درآمد را کاهش دهد؛ زیرا افزایش فعالیت‌های اقتصادی ناشی از آزادسازی مالی به گسترش اشتغال و افزایش درآمد کمک می‌کند. این امر به‌ویژه در صورتی صادق است که آزادسازی مالی به عنوان کاتالیزوری برای افزایش شفافیت و انتشار اطلاعات و کاهش رانت‌های اقتصادی به سیاست‌گذاری‌ها و عملکرد نهادها کمک کند (میشکین، ۲۰۰۹). با این حال دیدگاه مقابل استدلال می‌کند که آزادسازی مالی در واقع ممکن است نابرابری درآمد را افزایش دهد. این دیدگاه بیان می‌کند که به‌دلیل وجود هزینه‌های ثابت، دسترسی افراد کم‌درآمد به خدمات مالی محدود می‌شود و مزایای وسیع‌تری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری به ثروتمندان تعلق می‌گیرد، به‌ویژه کسانی که از رانت اطلاعاتی برخوردار هستند (داس و موهاپاترا، ۲۰۰۳) و ناتوانی بخش مالی در ارتقای شفافیت و تخصیص بهینه منابع مالی نیز به این امر کمک می‌کند؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت که آزادسازی مالی سبب بهبود وضعیت ثروتمندان و بدتر شدن وضعیت افراد کم‌درآمد جامعه شود (کیم و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین درباره اثرگذاری آزادسازی مالی بر توزیع درآمد، آرسطیس و کانر (۲۰۰۴) بیان می‌کنند که سه مکانیسم وجود دارد که از طریق آن‌ها آزادسازی مالی می‌تواند بر فقر و نابرابری درآمد تأثیر بگذارد. مکانیسم اول شامل افزایش نرخ رشد اقتصادی براساس فرضیه آزادسازی مالی

مک‌کینون<sup>۱</sup> (۱۹۷۳) و شاو<sup>۲</sup> (۱۹۷۳) است که به ارتباط بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد بستگی دارد که می‌تواند منحنی U معکوس کوزنتس یا منحنی U باشد (نیلسن و آلدerson، ۱۹۹۵). دوم آنکه نوسانات کلان اقتصادی می‌تواند در نتیجه بحران‌های مالی پس از آزادسازی مالی تغییر کند. مکانیسم سوم از طریق دسترسی بهتر به اعتبار و خدمات مالی به دلیل آزادسازی مالی ایجاد می‌شود.

مهم‌ترین شاخص‌های اندازه‌گیری آزادسازی مالی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی<sup>۳</sup> (FDI) و آزادسازی حساب سرمایه<sup>۴</sup> (Cap Account) است. یکی از کانال‌های اثرگذاری آزادسازی مالی بر توزیع درآمد، جریان‌های ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. اگرچه تحقیقات موجود برای بررسی اثر آزادسازی مالی بر توزیع درآمد، عمدتاً از طریق تجارت است، اثر جریان‌های ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد نیز حائز اهمیت فراوان است (پایتختی اسکویی و طبقچی اکبری، ۱۳۹۳). در خصوص آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد نیز نظرات متفاوتی وجود دارد. نخستین مطالعه تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد توسط ماندل (۱۹۵۷) صورت پذیرفت که در آن، مطالعه این فرضیه مطرح شد که افزایش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه سبب افزایش بهره‌وری و دستمزد واقعی شده و بنابراین توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد. در مقابل، فینسترا و هانسون (۱۹۹۷) نشان دادند جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی فقط تقاضا برای نیروی کار ماهر کشورهای در حال توسعه را بالا می‌برد و موجب افزایش دستمزد واقعی نیروی کار ماهر نسبت به نیروی کار غیرماهر می‌شود و متعاقب آن نابرابری درآمد افزایش می‌یابد (اصغرپور و همکاران، ۱۳۹۳). آزادسازی حساب سرمایه ممکن است دسترسی افراد کم‌درآمد به منابع مالی را بیشتر کند و درآمد آنان را سریع‌تر از متوسط رشد تولید ناخالص داخلی سرانه افزایش دهد که این امر موجب کاهش نابرابری می‌شود. از سوی دیگر، با قرار گرفتن افراد کم‌درآمد در معرض بحران‌های مالی یا در صورت کیفیت نامناسب مؤسسات مالی، ممکن است آسیب زیادی به افراد کم‌درآمد جامعه وارد شود (آستریو و همکاران، ۲۰۱۴)؛ بنابراین به‌طور کلی دو

1. McKinnon

2. Shaw

3. Foreign direct investment

4. Capital account liberalization

پیامد متضاد ممکن است از کانال اثرگذاری آزادسازی مالی بر توزیع درآمد ناشی شود. در اولین پیامد، جریان‌های خارجی با افزایش رشد اقتصادی، دسترسی به سرمایه و فناوری جدید (از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی)، بهبود سرمایه‌انسانی و تأمین اعتبار داخلی بیشتر، فقر را کاهش می‌دهد و در پیامد دوم، جریان‌های خارجی می‌تواند سبب ناپایداری مصرف شود و نوسان زیاد این جریان‌ها در کوتاه‌مدت ممکن است اقتصاد پذیرنده سرمایه را در معرض شوک‌های خارجی قرار دهد (کراتو و گواید، ۲۰۱۶). نوسانات مالی زیاد ممکن است بی‌ثباتی بیش‌ازحد اقتصاد کلان در یک کشور را ایجاد کند و وجود بی‌ثباتی مانع از سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود و نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد؛ زیرا اقشار کم‌درآمد در برابر نوسانات آسیب‌پذیرتر هستند و ممکن است مهارت یا آموزش لازم برای فعالیت در بخش‌های مختلف، در شرایط نامساعد اقتصادی را نداشته باشند. باین‌حال، نابرابری درآمدی با وجود بی‌ثباتی می‌تواند کاهش یابد اگر بی‌ثباتی بیشتر، انگیزه‌ای برای دولت‌ها ایجاد کند تا طیف گسترده‌ای از طرح‌های بیمه‌ای مانند توزیع مجدد هزینه‌های عمومی در خدمات اجتماعی، تأمین اجتماعی و صندوق‌های درآمد ثابت را ایجاد کنند (کیم و همکاران، ۲۰۲۱). با عنایت به نظریه‌های مختلف در ارتباط با تأثیر آزادسازی مالی بر توزیع درآمد می‌توان به این جمع‌بندی رسید که آزادسازی مالی از طریق بازار رقابتی، تخصیص بهینه منابع مالی، دسترسی به دانش و فناوری‌های جدید و بهبود سرمایه‌انسانی و تأمین اعتبار داخلی بر وضعیت توزیع درآمد در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه اثرگذار است و این اثرگذاری بسته به عوامل در نظر گرفته‌شده در تحلیل‌ها متفاوت بوده است. با توجه به وجود نتایج متفاوت در مورد رابطه بین آزادسازی مالی و توزیع درآمد، نمی‌توان در مورد این موضوع نتیجه واحدی گرفت؛ بنابراین، این پژوهش با استفاده از روش متاآنالیز سعی در ترکیب نتایج متفاوت مطالعات منفرد و محاسبه اندازه اثر متوسط دارد.

### ۳. پیشینه پژوهش

جهانی‌شدن اقتصاد به حرکت گسترده بین‌المللی کالا و خدمات، سرمایه و فناوری اشاره دارد. دو شاخص مهم برای جهانی‌شدن اقتصاد، آزادسازی مالی و آزادی تجاری است. در این مطالعه بر آزادسازی مالی تأکید شده که با دو شاخص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و آزادی حساب سرمایه بررسی می‌شود؛ در ادامه، پیشینه مطالعاتی

مطرح می‌شود که به‌طور خاص به بررسی تأثیر این شاخص‌ها بر توزیع درآمد پرداخته باشند.

### الف) مطالعات خارجی

فینسترا و هانسون (۱۹۹۶)، به بررسی رابطه بین آزادسازی مالی و نابرابری درآمدهای خانوارها در کشور مکزیک در بازه زمانی ۱۹۷۵-۱۹۸۸ پرداختند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری آزادسازی مالی از شاخص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی استفاده شد. این پژوهش با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته و متغیرهای ابزاری انجام گرفت. نتایج نشان داد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمد دارد و افزایش آن سبب افزایش نابرابری درآمد می‌شود.

بومن و لنزینک (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان آزادسازی حساب سرمایه و نابرابری درآمد در ۱۰۶ کشور به بررسی تأثیر آزادسازی حساب سرمایه بر نابرابری درآمد پرداختند. دوره زمانی این پژوهش ۳۵ ساله از سال ۱۹۷۳ تا سال ۲۰۰۸ است. مدل به‌کاررفته در پژوهش پانل پویا است که برای برآورد آن از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته<sup>۱</sup> (GMM) استفاده شده است و نتایج آن نشان می‌دهد آزادسازی حساب سرمایه فقط در صورت زیادبودن عمق مالی موجب کاهش نابرابری در درآمد می‌شود.

فورچری و لونگانی<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) تأثیر آزادسازی مالی بر نابرابری درآمد را در ۱۴۹ کشور طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۷۰ بررسی کردند. روش مورد استفاده در این پژوهش گشتاورهای تعمیم‌یافته است. آن‌ها سه کانال را شناسایی کردند که از طریق آن‌ها آزادسازی حساب سرمایه می‌تواند بر نابرابری تأثیر بگذارد: تقسیم ریسک بین‌المللی و هموارسازی مصرف داخلی، اثرات بحران‌های مالی و تغییرات قدرت چانه‌زنی نیروی کار. همچنین آن‌ها دریافتند آزادسازی حساب سرمایه سبب افزایش نابرابری درآمد می‌شود.

لی<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۹) نحوه تعامل آزادسازی مالی و نابرابری درآمد را با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته تحلیل کردند. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۲۱ کشور طی دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۸۴ است. نتایج نشان داد آزادسازی مالی، وضعیت

1. Generalized Method of Moments

2. Furceri and Loungani

3. Lee

توزیع درآمد کشورها (خصوصاً در کشورهایی با درآمد کمتر) را بدتر می‌کند. کیم<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه «آزادسازی مالی، نهادهای سیاسی و نابرابری درآمدی» آزادسازی مالی و نابرابری درآمد را در ۷۷ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه طی دوره‌ی زمانی ۲۰۱۱-۱۹۸۹ بررسی کردند. در این مطالعه، از روش اثرات ثابت و همچنین روش گشتاورهای تعمیم‌یافته استفاده شد. نتایج نشان داد آزادسازی مالی نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد. همچنین نتایج حاکی از آن بود که آزادسازی حساب سرمایه و بازارهای سهام باثبات‌تر و سودآورتر برای توزیع درآمد مفید است؛ زیرا چنین اصلاحاتی به خانوارها و بنگاه‌هایی که قبلاً محروم بودند اجازه می‌دهد تا به منابع مالی و خدمات دسترسی پیدا کنند و در نتیجه سرمایه خود را افزایش دهند.

#### ب) مطالعات داخلی

عبادی و شهیکی تاش (۱۳۸۵) در بررسی نابرابری جریان‌های تجاری، سرمایه‌گذاری و درآمد در جهان به روش ناپارامتریک و دلایل آن (۲۰۰۰-۱۹۶۰)، اثر آزادسازی مالی بر ضریب جینی را با به‌کارگیری روش OLS مطالعه کردند. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۴۴ کشور در جهان است. نتایج تجربی تحقیق نشان داد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی با نرخ کاهنده موجب افزایش نابرابری درآمد جهانی شده است. سامتی و همکاران (۱۳۹۰)، رابطه میان جهانی‌شدن و توزیع درآمد را در ۲۲ کشور در حال توسعه از جمله ایران با به‌کارگیری روش اثرات تصادفی طی دوره‌ی زمانی ۲۰۰۴-۱۹۸۵ مطالعه کردند. نتایج تجربی پژوهش نشان داد رابطه U معکوس میان متغیرهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ضریب جینی وجود دارد. اصغرپور و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه تأثیر جهانی‌شدن بر توزیع درآمد در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به بررسی اثرگذاری آزادسازی مالی بر نابرابری درآمد پرداختند. در این پژوهش، از روش اثرات ثابت طی دوره‌ی زمانی ۲۰۱۰-۱۹۸۴ استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که رابطه غیرخطی U معکوس میان متغیرهای جهانی‌شدن (شامل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه بازبودن تجارت) و ضریب جینی وجود ندارد. همچنین یافته‌ها نشان داد توزیع درآمد با افزایش درآمد سرانه واقعی بهبود می‌یابد و با گسترش جهانی‌شدن نامتعادل‌تر می‌شود.



مروری بر پیشینه داخلی و خارجی در مورد ارتباط بین آزادسازی مالی و توزیع درآمد، نشان از وجود نتایج متناقضی در این مطالعات دارد. همچنین در اکثر مطالعات داخلی برای بررسی جهانی شدن، شاخص‌های آزادسازی تجاری مورد استفاده قرار گرفته و به آزادسازی مالی به عنوان مؤلفه مهم جهانی شدن، آن طور که باید توجه نشده است. همان طور که مطرح شد، این مطالعه برای بررسی نتایج متناقض مطالعات پیشین با استفاده از روش متاآنالیز به ترکیب نتایج کمی این مطالعات می‌پردازد. استفاده از روش متاآنالیز در بررسی تأثیر آزادسازی مالی بر توزیع درآمد، فقط در یک مورد (نی و لیو، ۲۰۱۹) انجام شده است و مورد دیگری یا وجود ندارد یا منتشر نشده است. البته مطالعه هیمبرگر<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) نیز به بررسی متاآنالیز رابطه بین جهانی شدن اقتصاد و توزیع درآمد پرداخته است، اما تأکید او روی شاخص آزادی تجاری است. تفاوت مطالعه حاضر با مطالعه نی و لیو (۲۰۱۹) در این است که با در نظر گرفتن مطالعات منفرد جدیدتر و حجم گسترده‌تری از مطالعات، نتایج متاآنالیز قبلی را به‌روزرسانی می‌کند. همچنین به جای استفاده از متاآنالیز در یک سطح، از متاآنالیز چندسطحی برای بررسی دقیق رابطه آزادسازی مالی و توزیع درآمد استفاده می‌شود.

#### جدول ۱. پیشینه مطالعات

نویسندگان	نوع داده‌ها و شیوه تخمین	نمونه و دوره زمانی	نتایج
عمران الله <sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۲)	داده‌های ترکیبی GMM	۲۸ کشور آسیایی (۱۹۷۰-۲۰۱۸)	براساس یافته‌های این مطالعه، نابرابری درآمد و بازبودن حساب سرمایه به‌طور مثبت و معنی‌داری مرتبط هستند. در آسیا، بازبودن حساب سرمایه به داخل نابرابری درآمد را زیاد می‌کند و بازبودن حساب سرمایه خارجی آن را تشدید می‌کند.
کومار گیری و همکاران (۲۰۲۱)	داده‌های سری زمانی ARDL-VECM	اقتصاد هند (۱۹۸۲-۲۰۱۸)	جهانی شدن تجارت با کاهش نابرابری درآمد همراه است، در حالی که جهانی شدن مالی با افزایش نابرابری مرتبط است. نتایج رویکرد علیت گرنجر مبتنی بر VECM بیشتر تأیید

1. Heimberger

2. Imran Ullah et al.

نویسندگان	نوع داده‌ها و شیوه تخمین	نمونه و دوره زمانی	نتایج
			می‌کند که پیشرفت فناورانه، تجارت و جهانی‌سازی مالی موجب نابرابری درآمد هم به‌طور مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق رشد اقتصادی و تورم می‌شود.
فورچری و همکاران (۲۰۲۰)	داده‌های ترکیبی نامتوازن OLS	۱۴۹ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه (۲۰۱۵-۱۹۷۰)	دوره‌های آزادسازی حساب سرمایه با یکپارچگی مالی بیشتر و کاهش توزیع مجدد مالی همراه است که هر دو به افزایش نابرابری منجر می‌شوند.
زهری (۲۰۱۹)	داده‌های ترکیبی PVAR	۱۶۲ کشور (۲۰۱۵-۱۹۸۰)	نتایج نشان می‌دهد که آزادسازی حساب سرمایه و توسعه مالی سبب افزایش نابرابری می‌شود.
نی و لیو (۲۰۱۹)	ضرایب اندازه اثر متاآنالیز	۲۳ مطالعه منفرد	نتایج این مطالعه نشان می‌دهد آزادسازی مالی نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد؛ زیرا اندازه اثر متوسط، منفی است. علاوه بر این، نتیجه‌گیری می‌شود که این نتایج از تورش انتشار، مصون هستند.
آدامز (۲۰۰۸)	داده‌های ترکیبی SUR	۶۲ کشور (۲۰۰۱-۱۹۸۵)	نتایج نشان می‌دهد (۱) آزادی تجاری رابطه مثبت با نابرابری درآمد دارد؛ (۲) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌طور قابل توجهی با نابرابری درآمد همبستگی منفی دارد؛ (۳) زیرساخت نهادی با نابرابری درآمد همبستگی منفی دارد.

منبع: یافته‌های پژوهش

### ۳. روش پژوهش

در این مطالعه برای بررسی رابطه بین آزادسازی مالی و توزیع درآمد از روش متاآنالیز چندسطحی استفاده شده است. متاآنالیز یک تجزیه و تحلیل آماری است که نتایج چندین مطالعه علمی را با هم ترکیب می‌کند. متاآنالیز زمانی می‌تواند انجام شود که مطالعات علمی متعددی به یک سؤال مشخص بپردازند و در هر مطالعه

اندازه‌گیری‌هایی گزارش شود که انتظار می‌رود تا حدی خطا داشته باشند. سپس هدف این است که از رویکردهای آماری برای به‌دست آوردن یک برآیند نزدیک به حقیقت براساس نحوه درک این خطا استفاده شود. متاآنالیز نه تنها می‌تواند برآوردی از حقیقت مشترک ارائه دهد، بلکه این ظرفیت را دارد که نتایج مطالعات مختلف را با هم مقایسه کند و منابع اختلاف نظر بین این نتایج را تشخیص دهد (گرینلند و رورک، ۲۰۰۸). متاآنالیز چندسطحی نیز فرایند متاآنالیز را در دو سطح درون مطالعه‌ای و بین مطالعه‌ای انجام می‌دهد.

### فرایند اجرای روش متاآنالیز چندسطحی در این مطالعه

برای انجام متاآنالیز، پس از تعریف و تعیین موضوع، برای دستیابی به مطالعات مربوط به موضوع، جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی انجام می‌شود. سپس مطالعات براساس معیارهای مشخص غربال می‌شوند و مطالعات منفرد مناسب، برای ورود به متاآنالیز انتخاب می‌شوند. در مرحله بعد، نتایج کمی مطالعات استخراج و کدگذاری می‌شود. پس از آن در سطح اول متاآنالیز، ضرایب مربوط به رابطه بین آزادسازی مالی و توزیع درآمد در درون هر مطالعه با هم ترکیب می‌شود و اندازه اثر<sup>۱</sup> مربوط به هر مطالعه منفرد محاسبه می‌شود. در سطح دوم متاآنالیز، اندازه اثرهای مطالعات در مرحله قبل با یکدیگر ترکیب و اندازه اثر متوسط<sup>۲</sup> حاصل می‌شود. در نهایت، اندازه اثر متوسط تفسیر و در قالب متارگرسیون، عوامل مؤثر بر ناهمگنی مطالعات منفرد بررسی می‌شود. سرانجام در پاسخ به مسئله پژوهش نتیجه‌گیری می‌شود. به‌طور کلی فرایند اجرای روش متاآنالیز در این مطالعه شامل پنج مرحله است. تعریف موضوع و سؤال پژوهش، استراتژی جست‌وجو، غربالگری مطالعات، استخراج اطلاعات و تحلیل آماری و ارائه و تفسیر آن، این پنج مرحله را تشکیل می‌دهند. در ادامه، فرایند هر مرحله تبیین خواهد شد.

#### الف) تعریف موضوع و سؤال پژوهش

همان‌طور که قبل از این مطرح شد، رابطه بین آزادسازی مالی و توزیع درآمد در تحقیقات تجربی قبلی مورد توجه واقع شده است. باین حال، نتایج مطالعات مختلف در

1. Effect size

2. Average Effect Size

این حوزه به دلیل ناهمگنی نمونه‌های مورد استفاده، مشخصات مدل و برآوردگرهای مورد استفاده متفاوت است. با توجه به تعارض موجود میان نتایج مطالعات، سؤال اصلی در این پژوهش این است که برآیند نتایج مطالعات تجربی حوزه آزادسازی مالی، چه رابطه‌ای بین آزادسازی مالی و توزیع درآمد را نتیجه می‌دهد.

### ب) استراتژی جست‌وجو

به دنبال رهنمودهای انجام متاآنالیز در اقتصاد (استنلی و همکاران، ۲۰۱۳)، برای پرداختن به مسئله پژوهش و انجام متاآنالیز، این مطالعه به‌طور سیستماتیک تمام شواهد تجربی قابل‌دستیابی از تعدادی از منابع پایگاه داده شامل گوگل اسکالر<sup>۱</sup>، ریسرچ گیت<sup>۲</sup>، آکادمیا<sup>۳</sup> و اسکوپوس<sup>۴</sup> را مرور می‌کند. به این منظور ابتدا مطالعات مربوط به موضوع پژوهش با کلیدواژه‌های آزادسازی مالی<sup>۵</sup>، ادغام مالی<sup>۶</sup>، جهانی‌سازی مالی<sup>۷</sup>، آزادی مالی<sup>۸</sup>، نابرابری درآمد<sup>۹</sup> و توزیع درآمد<sup>۱۰</sup> و معادل انگلیسی آن‌ها جست‌وجو شد.

### ج) معیارهای انتخاب و ارزیابی کیفیت مطالعات

یکی از مهم‌ترین مراحل متاآنالیز، انتخاب مطالعات مناسب برای ورود به متاآنالیز و استخراج اطلاعات آن‌ها است که باید قاعده‌مند و براساس چارچوب معین انجام شود. برای اجرای این مهم، ابتدا عناوین تمام مقالات جست‌وجوشده در پایگاه‌های اینترنتی فهرست شدند. سپس مقالات با عناوین تکراری از انتخاب‌ها خارج شدند. در مرحله بعد، عناوین مقالات با توجه به کلیدواژه‌های مدنظر بررسی شدند و عنوان‌های نامرتبب کنار گذاشته شدند. در ادامه پس از بررسی چکیده مقالات برای انتخاب مطالعات مدنظر متاآنالیز، این مطالعات براساس پروتکل متاآنالیز مورد غربالگری قرار گرفتند. با درنظرگرفتن اینکه تمرکز این مطالعه روی رابطه بین آزادسازی مالی و توزیع

1. Google Scholar
2. ResearchGate
3. Academia
4. Scopus
5. Financial liberalization
6. Financial integration
7. Financial globalization
8. Financial openness
9. Income inequality
10. Distribution of income

درآمد است، پروتکل متاآنالیز برای انتخاب مطالعات منفرد براساس معیارهای زیر تعریف شد:

۱. مقاله یک مطالعه تجربی باشد که شامل حداقل یک رگرسیون یا یک تجزیه و تحلیل همبستگی است؛
۲. برای افزایش دقت و اعتبار متاآنالیز فقط از مطالعاتی که به صورت مقاله در مجلات منتشر شده‌اند، استفاده شد و گزارش‌ها، یادداشت‌ها، روزنامه‌ها و سایر قالب‌های منتشرشده، کنار گذاشته شدند؛
۳. مطالعات سری زمانی از فهرست مطالعات خارج شدند و صرفاً مطالعات بین‌کشوری و براساس داده‌های تابلویی مدنظر قرار گرفتند. انجام متاآنالیز روی مطالعات سری زمانی، مطالعه دیگری را می‌طلبد؛
۴. متغیر مربوط به توزیع درآمد به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده باشد. به طور کلی، محققان علاقه‌مند به بررسی تأثیر آزادسازی مالی بر نابرابری درآمد، مشابه مدل زیر را تخمین می‌زنند:

$$I_{it} = \alpha + \beta FL_{it} + \eta FD_{it} + \lambda FL_{it} * FD_{it} + \gamma_k Z_{itk} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن I معیار معتبری برای نابرابری درآمد، FL معیاری برای آزادسازی مالی، FD معیاری از توسعه مالی،  $FL * FD$  رابطه تعاملی بین آزادسازی مالی و توسعه مالی و Z یک بردار از سایر متغیرهای توضیحی مانند شرایط اقتصاد کلان است.  $\varepsilon$  جمله خطا است و زیرنویس‌های i و t به ترتیب کشور و زمان را نشان می‌دهند؛ بنابراین در این بررسی فقط مطالعاتی وارد فهرست نهایی شدند که متغیر مربوط به توزیع درآمد را به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته‌اند.

۱. حذف مطالعاتی که صرفاً بحث آزادسازی تجاری را مدنظر قرار داده باشند (به دلیل تمرکز این پژوهش بر آزادسازی مالی)؛
۲. متن کامل مقاله در دسترس باشد؛
۳. داده‌های مورد نظر برای استخراج و ورود به متاآنالیز در هر مطالعه کامل باشد.

#### د) استخراج اطلاعات

با جست‌وجوی کلیدواژه‌های مربوط به موضوع در پایگاه‌های اطلاعاتی، ۵۰،۳۰۰

مطالعه یافت شد.<sup>۱</sup> سپس با بررسی و فیلتر عنوان این مقالات و کنار گذاشتن عنوان‌های نامرتب (تعداد مطالعات کنار گذاشته شده در این مرحله: ۴۹۹۱۹ مطالعه)، تعداد ۳۸۱ مقاله حاصل شد (تا این مرحله، مقالات با استفاده از ابزارهای جست‌وجوی پیشرفته پایگاه‌های اطلاعاتی فیلتر شدند). در ادامه با بررسی چکیده مقالات (با محوریت بررسی رابطه آزادسازی مالی و توزیع درآمد)، ۹۲ مطالعه که در راستای پاسخگویی به سؤالات پژوهش بودند استخراج و کدگذاری شدند (تعداد مطالعات کنار گذاشته شده در این مرحله: ۲۸۹ مطالعه). پس از قرارداد این مطالعات در پروتکل متاآنالیز و بررسی متن کامل مطالعات، مطالعات نامناسب برای ورود به متاآنالیز و مطالعات با اطلاعات ناکافی برای محاسبه اندازه اثر کنار گذاشته شدند (تعداد مطالعات کنار گذاشته شده در این مرحله: ۶۴ مطالعه). در نهایت ۲۸ مطالعه نهایی<sup>۲</sup> برای ورود به متاآنالیز و استخراج اطلاعات انتخاب شدند. اطلاعات استخراج شده از مطالعات، براساس متغیرهای مطالعه در صفحه گسترده اکسل مرتب شدند. متغیرهای مدنظر این متاآنالیز برای استخراج در جدول ۲ آمده است.

### جدول ۲. توضیح متغیر

توضیحات	متغیر	ردیف
<b>متغیرهای اندازه‌گیری آزادسازی مالی</b>		
اگر آزادسازی مالی با شاخص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.	FDI	۱
اگر آزادسازی مالی با شاخص آزادسازی حساب سرمایه اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.	Cap Account	۲
<b>متغیرهای مربوط به اندازه‌گیری توزیع درآمد</b>		
اگر توزیع درآمد با ضریب جینی اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.	Gini	۳

۱. این تعداد بر اساس شمارشگر پایگاه‌های اطلاعاتی ثبت شده است. جست‌وجوی مطالعات منفرد در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۴۰۰ متوقف شد.

۲. دسترسی به اطلاعات ۲۸ مطالعه منتخب (از قبیل عنوان، نویسندگان، مدل و روش، نمونه کشورها، دوره زمانی، متغیرهای مورد بررسی و نتیجه‌گیری) و فهرست منابع این مطالعات، از طریق ارسال ایمیل به نویسندگان امکان‌پذیر است.

۴	Bottom income share	اگر توزیع درآمد با سهم درآمد دهک‌های پایین اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.
۵	Top income share	اگر توزیع درآمد با سهم درآمد دهک‌های بالا اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.
<b>سایر متغیرهای تعدیلگر</b>		
۶	Lagged depend vari	اگر متغیر وابسته با وقفه در مدل حضور داشته باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.
۷	Lagged FiLib	اگر متغیر مربوط به آزادسازی مالی با وقفه در مدل حضور داشته باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.
۸	Log depend vari	اگر متغیر وابسته لگاریتمی باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.
۹	Log FiIB	اگر متغیر مربوط به آزادسازی مالی لگاریتمی باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.
۱۰	Financial development	اگر توسعه مالی در مدل وجود داشته باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.
۱۱	Economic growth	اگر رشد اقتصادی در مدل وجود داشته باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.
۱۲	Democracy	اگر دموکراسی در مدل وجود داشته باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.
۱۳	Financial crisis	اگر بحران‌های مالی در مدل وجود داشته باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.
۱۴	Unionization	اگر مسائل مربوط به اتحادیه در مدل وجود داشته باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.
۱۵	Education	اگر آموزش در مدل وجود داشته باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.
۱۶	Institutional Quality	اگر کیفیت نهادی در مدل وجود داشته باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.
۱۷	Demo	اگر اطلاعات جمعیتی در مدل وجود داشته باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.
۱۸	Trade	اگر تجارت در مدل وجود داشته باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.
۱۹	Inflation	اگر تورم در مدل وجود داشته باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.

اگر توسعه فناوری در مدل وجود داشته باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.	Technology development	۲۰
اگر مخارج دولت در مدل وجود داشته باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.	Government spending	۲۱
اگر نمونه شامل کشورهای توسعه‌یافته باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.	Developed	۲۲
اگر نمونه شامل کشورهای در حال توسعه باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.	Developing	۲۳
اگر نمونه شامل ترکیبی از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.	Mixed	۲۴
اگر داده‌ها مربوط به دهه ۱۹۶۰ باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.	۱۹۶۰	۲۵
اگر داده‌ها مربوط به دهه ۱۹۷۰ باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.	۱۹۷۰	۲۶
اگر داده‌ها مربوط به دهه ۱۹۸۰ باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.	۱۹۸۰	۲۷
اگر داده‌ها مربوط به دهه ۱۹۹۰ باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.	۱۹۹۰	۲۸
اگر داده‌ها مربوط به دهه ۲۰۰۰ باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.	۲۰۰۰	۲۹
اگر داده‌ها مربوط به دهه ۲۰۱۰ باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.	۲۰۱۰	۳۰

منبع: یافته‌های پژوهش

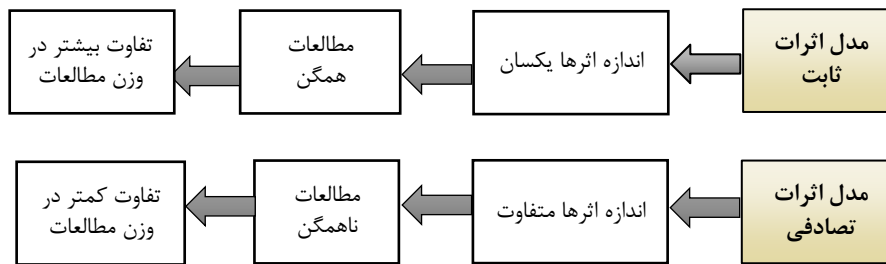
متغیرهای جدول ۱ براساس استفاده و تکرار در الگوهای رگرسیونی مطالعات منفرد و مبانی نظری مربوط به رابطه آزادسازی مالی و توزیع درآمد، برای ورود به متاآنالیز در نظر گرفته شده‌اند. اطلاعات مستخرج از ۲۸ مطالعه منتخب شامل ۵۹۱ رگرسیون و ۷۵۳ ضریب برای رابطه بین آزادسازی مالی و توزیع درآمد بود که کدگذاری شدند. در این مرحله پس از استخراج داده‌های هریک از مطالعات و کدگذاری آن‌ها، این داده‌ها به نرم‌افزار CMA<sup>۱</sup> وارد شدند.

1. Comprehensive Meta-Analysis Software



### ه) تجزیه و تحلیل آماری

به منظور ترکیب نتایج مطالعات منفرد، یکی از مسائل مهمی که باید در هر متاآنالیز مدنظر قرار گیرد، بررسی ناهمگنی<sup>۱</sup> مطالعات به منظور انتخاب مدل اثرات ثابت یا اثرات تصادفی<sup>۲</sup> است.



شکل ۱. ویژگی‌های مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی

منبع: بورنشتاین و همکاران (۲۰۱۱)

همان‌طور که در شکل ۱ مشخص است، در مدل اثرات ثابت، فرض بر این است که همه مطالعات منفرد دارای یک اندازه اثر یکسان هستند. در این مدل، اندازه اثرات یکی هستند و تنوع اندازه اثر مشاهده شده از مطالعه‌ای به مطالعه دیگر به دلیل خطای تصادفی هر مطالعه است. برخلاف مدل اثرات ثابت، در مدل اثرات تصادفی فرض بر متفاوت بودن اندازه اثر جوامع آماری مورد مطالعه در متاآنالیز است. همچنین وزن مطالعات<sup>۳</sup> در مدل اثرات ثابت نسبت به مدل اثرات تصادفی تفاوت بیشتری دارند؛ بنابراین اگر براساس تحلیل ناهمگنی رویکرد اثرات ثابت یا اثرات تصادفی انتخاب شود، وزن مطالعات بسیار متفاوت خواهد شد و این تغییر وزن بر کلیه نتایج بعدی متاآنالیز تأثیر خواهد گذاشت؛ بنابراین اهمیت تحلیل ناهمگنی روشن می‌شود (بورنشتاین و همکاران، ۲۰۱۱). جدول ۳ نتایج آزمون Q کوکران<sup>۴</sup> را برای بررسی ناهمگنی بین مطالعات گزارش می‌دهد.

#### 1. Heterogeneity

۲. شایان ذکر است که مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی در متاآنالیز با همین مدل‌ها در داده‌های پانلی متفاوت است.

۳. وزن هر مطالعه نشان‌دهنده درجه اهمیت یک مطالعه در محاسبه اندازه اثر متوسط است. درصد اندازه نمونه (Sample Size) هر مطالعه نسبت به مجموع اندازه‌های نمونه کل مطالعات منفرد، وزن آن مطالعه را نشان می‌دهد.

#### 4. Cochran's Q test

## جدول ۳. نتایج آزمون ناهمگنی

آزمون Q کوکران	
۲۴۸/۰۴۶	Q-value
۲۷	درجه آزادی Q
۰/۰۰۰	P-value

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار CMA

آزمون Q مبتنی بر توزیع کای دو ( $\chi^2$ ) و درجه آزادی  $k-1$  است که  $k$  در اینجا به تعداد مطالعات منفرد اشاره می‌کند. فرضیه  $H_0$  در این آزمون، همگنی مطالعات، و فرضیه  $H_1$  ناهمگنی مطالعات را نشان می‌دهد. تأیید شدن فرض همگنی مطالعات موجب انتخاب مدل اثرات ثابت می‌شود. به این معنی که اندازه اثرات یکسان است و رد فرض همگنی موجب انتخاب مدل اثرات تصادفی می‌شود (هارول، ۱۹۹۷). با توجه به مقدار  $(P\text{-value})$  گزارش شده آزمون Q کوکران در جدول ۳، فرضیه  $H_0$  این آزمون در سطح معناداری ۵ درصد رد می‌شود و فرضیه ناهمگنی مطالعات تأیید می‌شود؛ بنابراین نتایج این آزمون نشان می‌دهد مطالعات منفرد وارد شده در متاآنالیز ناهمگن هستند و در برآورد اندازه اثر متوسط باید مدل اثرات تصادفی را مدنظر قرار داد.

## ۴. نتایج ترکیب مطالعات

در این بخش که مهم‌ترین بخش از فرایند متاآنالیز است، نتایج ترکیب و برآیند اندازه اثر مطالعات مطرح می‌شود. روش مورد استفاده در این مطالعه متاآنالیز چندسطحی است. این نوع تحلیل به حالتی اشاره دارد که در آن نیاز به انجام چندباره متاآنالیز است؛ برای مثال، زمانی که در هر مطالعه منفرد چندین رگرسیون و به دنبال آن چندین اندازه اثر وجود دارد، نیاز هست در سطح اول، ابتدا با انجام متاآنالیز، ضرایب درون هر مطالعه با هم ترکیب شود و برای آن مطالعه، یک اندازه اثر به دست آید (مک‌شان و باکنهولت، ۲۰۱۸). پس از انجام این عمل، در سطح دوم اندازه اثرهای حاصل از مطالعات منفرد با یکدیگر ترکیب می‌شوند و در نهایت، اندازه اثر متوسط حاصل می‌شود. جدول ۴ نتایج مربوط به ترکیب اندازه اثرات مطالعات منفرد و محاسبه اندازه اثر متوسط را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج ترکیب مطالعات

تعداد مطالعات	مجموع تعداد رگرسیون‌های مطالعات	مجموع تعداد ضرایب آزادسازی مالی در مطالعات	اندازه اثر متوسط	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	Z-value	P-value
۲۸	۵۹۱	۷۵۳	-۰/۰۶۳۶۱**	-۰/۰۰۴۰۷ -۰/۱۲۲۷۱	-۲/۰۹۳۶۴	۰/۰۳۶۲۹

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار CMA  
 $p < 0/1$  \* /  $p < 0/05$  \*\* /  $p < 0/01$  \*\*\*

ترکیب اندازه اثرهای مطالعات منفرد، اندازه اثر متوسط را گزارش می‌کند. با استفاده از اندازه اثر متوسط می‌توان شدت و جهت رابطه بین متغیرهای مورد بررسی متآنالیز را مشخص کرد. علامت منفی اندازه اثر متوسط این‌گونه معنی می‌شود که آزادسازی مالی با نابرابری درآمد رابطه منفی (معکوس) دارد، همچنین براساس آماره‌های  $Z$  و  $P$  گزارش شده، این رابطه معنادار است؛ بنابراین افزایش آزادسازی مالی، نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد و توزیع درآمد بهبود می‌یابد و فرضیه مطالعه تأیید می‌شود (رد نمی‌شود). برای بررسی شدت رابطه، از معیار تفسیر کوهن<sup>۱</sup> که در جدول ۵ مطرح شده است، می‌توان استفاده کرد.

جدول ۵. معیار کوهن برای تفسیر کاربردی اندازه اثر

اندازه اثر متوسط	تفسیر
۰/۱۰	کوچک
۰/۳۰	متوسط
۰/۵۰	بزرگ
۰/۷۰	خیلی بزرگ

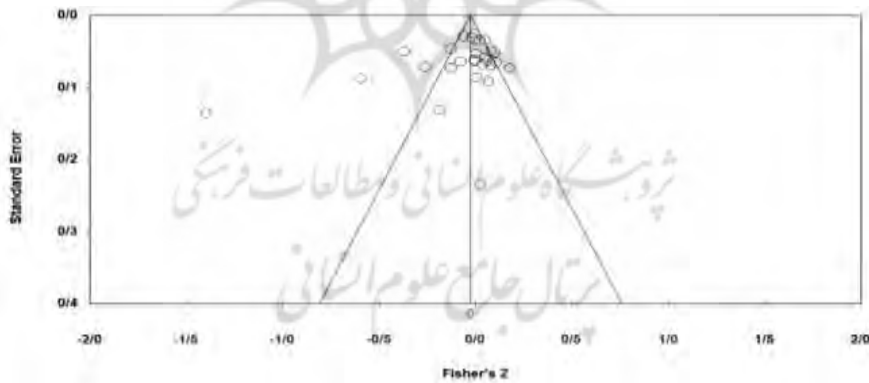
منبع: کوهن (۱۹۸۸)

با توجه به اطلاعات جدول ۵ و اندازه اثر متوسط گزارش شده در جدول ۴، مشخص می‌شود که شدت رابطه بین آزادسازی مالی و نابرابری درآمد کوچک است.

### نمودار کیفی<sup>۱</sup> و بررسی تورش انتشار<sup>۲</sup>

تورش انتشار نوعی سوگیری است که در تحقیقات دانشگاهی منتشر شده رخ می‌دهد و زمانی اتفاق می‌افتد که نتیجه یک آزمایش یا تحقیق، بر تصمیم‌گیری درباره انتشار و چاپ آن تأثیر بگذارد (سونگ و همکاران، ۲۰۱۰). مطالعاتی که اندازه اثرهای بزرگ‌تر و معناداری را گزارش می‌کنند، احتمال چاپ بیشتری در مجلات دارند و این امر ممکن است موجب انتشار نیافتن مطالعات با اندازه اثرهای کوچک و بی‌معنی شود؛ بنابراین، این مشکل می‌تواند نتایج مطالعات منفرد را دچار تورش و خطا کند. اگر تورش در نتایج مطالعات منفرد شدید باشد، نتایج متاآنالیز به دلیل استفاده از این مطالعات خدشه‌دار می‌شود و اعتبار متاآنالیز زیر سؤال می‌رود. برای بررسی این موضوع در مطالعات، متاآنالیز نمودار کیفی و آزمون تورش انتشار انجام می‌شود.

نمودار کیفی شبیه کیفی است که در بخش بزرگ آن اندازه اثر مطالعاتی با اندازه نمونه کم و خطای معیار بالا قرار دارند و در بخش کوچک کیفی، اندازه اثر مطالعاتی با اندازه نمونه بزرگ و خطای معیار کوچک‌تر قرار می‌گیرد. در وسط کیف هم مطالعاتی با اندازه اثر متوسط قرار دارد (نوغانی دخت بهمنی و میرمحمدنبار، ۱۳۹۶: ۱۱۲). تقارن اندازه اثر مطالعات در سمت چپ و راست نمودار کیفی نشان‌دهنده نبود تورش انتشار است. عدم تقارن نمودار کیفی به این معنا است که متاآنالیز دچار تورش ناشی از انتشار شده است.



نمودار ۱. نمودار کیفی مربوط به متاآنالیز

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار CMA

1. Funnel Plot
2. Publication bias

نمودار ۱ محور افقی اندازه اثر استاندارد شده (Z فیشر) و محور عمودی خطای معیار مربوط به اندازه اثر را نشان می‌دهد. هرکدام از دایره‌های کوچک نیز نشان‌دهنده اندازه اثر مربوط به هر مطالعه است. خط وسط قیف، مربوط به اندازه اثر متوسط متآنالیز است. بررسی این نمودار بیانگر این موضوع است که پراکندگی اندازه اثرها، نسبتاً متقارن است، اما برای بررسی کمی و دقیق تقارن و تورش انتشار، نمودار قیفی کافی نیست و باید آزمون مربوط به بررسی تقارن و تورش انتشار انجام پذیرد.

### آزمون اِگر<sup>۱</sup>

برای بررسی کمی تورش انتشار در این متآنالیز از آزمون اِگر استفاده می‌شود. نتایج این آزمون در جدول ۶ قابل مشاهده است.

جدول ۶. نتایج آزمون تورش انتشار

رگرسیون اِگر	
-۲/۰۷۰۶۷	عرض از مبدأ
۱/۳۴۸۰۷	خطای معیار
-۴/۸۴۱۶۷	حد پایین فاصله اطمینان
۰/۷۰۰۳۴	حد بالای فاصله اطمینان
۱/۵۳۶۰۲	t-value
۲۶/۰۰۰۰۰	درجه آزادی
۰/۰۳۶۶۱	p-value

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار CMA

جدول ۶ نتایج تخمین رگرسیون اِگر را نشان می‌دهد. فرضیه  $H_0$  آزمون این است که پراکندگی اندازه اثرهای مطالعات منفرد متقارن است و فرضیه  $H_1$  عدم تقارن پراکندگی اندازه اثرهای مطالعات منفرد را بیان می‌کند (اگر و همکاران، ۱۹۹۷). با توجه به نتایج جدول فوق، فرضیه  $H_0$  (تقارن داده‌ها و عدم تورش انتشار) این آزمون تأیید می‌شود (رد نمی‌شود)؛ بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که متآنالیز این پژوهش دچار تورش ناشی از انتشار نشده است و نتایج آن از اعتبار بالایی برخوردار است.

### ۵. نتایج ترکیب مطالعات با در نظر گرفتن متغیرهای تعدیلگر<sup>۱</sup> (تحلیل متارگرسیون)

در این بخش، نتایج محاسبه اندازه اثر متوسط با لحاظ کردن اثر متغیرهای تعدیلگر که در جدول ۲ مطرح شدند، گزارش و تفسیر می‌شود.

جدول ۷. نتایج ترکیب مطالعات با در نظر گرفتن تعدیلگرها

متغیرهای تعدیلگر	اندازه اثر	p-value	z-value	کران بالا	کران پایین
FDI	۰/۰۸۴۰۰**	۰/۰۴۶۶۶	-۱/۹۸۹۴۰	-۰/۰۰۱۲۵	-۰/۱۶۵۶۲
Cap Account	۰/۰۳۴۴۴**	۰/۰۱۳۰۹	۲/۴۸۱۳۱	۰/۰۶۱۵۹	۰/۰۰۷۲۴
Gini	۰/۰۰۸۵۸	۰/۴۵۶۱۹	۰/۷۴۵۱۳	۰/۰۳۱۱۵	-۰/۰۱۳۹۹
Bottom income share	-۰/۰۷۹۸۳***	۰/۰۰۹۹۲	-۲/۵۷۸۴۵	-۰/۰۱۹۱۹	-۰/۱۳۹۸۹
Top income share	۰/۰۲۲۱۱	۰/۱۵۷۱۹	۱/۴۱۴۵۸	۰/۰۵۲۷۹	-۰/۰۰۸۵۲
Lagged Gini	-۰/۰۹۲۶۱***	۰/۰۰۰۰	-۵/۴۵۱۶۸	-۰/۰۵۹۴۲	-۰/۱۲۵۶۰
Lagged FiLib	۰/۰۹۸۹۳***	۰/۰۰۰۰	۵/۶۳۸۲۹	۰/۱۳۲۹۶	۰/۰۶۴۶۶
log depend vari	۰/۱۲۳۷۳***	۰/۰۰۰۰	۷/۲۲۴۸۵	۰/۱۵۶۸۰	۰/۰۹۰۳۸
log FilIB	-۰/۰۱۳۰۹	۰/۵۵۷۰۷	-۰/۵۸۷۱۹	۰/۰۳۰۵۸	-۰/۰۵۶۷۰
Financial development	-۰/۰۲۳۳۸***	۰/۰۰۰۱۹	-۳/۷۳۲۰۷	-۰/۰۱۱۱۰	-۰/۰۳۵۶۵
Economic growth	-۰/۰۵۴۳۶***	۰/۰۰۰۲۸	-۳/۶۳۲۵۸	-۰/۰۲۵۰۵	-۰/۰۸۳۵۷
Democracy	-۰/۰۳۹۸۸	۰/۱۴۷۳۴	-۱/۴۴۸۹۸	۰/۰۱۴۰۷	-۰/۰۹۳۵۹
Financial crisis	۰/۱۴۵۲۸***	۰/۰۰۰۰	۵/۳۶۷۵۷	۰/۱۹۷۱۲	۰/۰۹۲۶۲
Unionization	۰/۰۵۳۱۲***	۰/۰۰۲۲۹	۳/۰۴۹۹۰	۰/۰۸۷۱۲	۰/۰۱۹۰۰
Education	۰/۰۵۱۸۸***	۰/۰۰۰۰	۴/۷۳۹۶۸	۰/۰۷۳۲۷	۰/۰۳۰۴۵
Institutional Quality	۰/۰۱۶۳۱	۰/۶۲۲۱۸	۰/۴۹۲۷۷	۰/۰۸۱۰۴	-۰/۰۴۸۵۴
Demo	۰/۰۲۹۴۰**	۰/۰۴۳۹۲	۲/۰۱۴۸۶	۰/۰۵۷۹۵	۰/۰۰۰۸۰
Trade	۰/۰۲۰۰۷*	۰/۰۷۲۰۱	۱/۷۹۹۰۸	۰/۰۴۱۹۲	-۰/۰۰۱۸۰
Inflation	۰/۰۰۶۶۷	۰/۶۳۶۹۹	۰/۴۷۱۹۱	۰/۰۳۴۳۷	-۰/۰۲۱۰۴
Technology development	۰/۱۰۰۳۴***	۰/۰۰۰۱	۸/۷۴۱۲۲	۰/۱۲۲۶۴	۰/۰۷۷۹۵

1. Moderator

متغیرهای تعدیلگر	اندازه اثر	p-value	z-value	کران بالا	کران پایین
Government spending	-۰/۰۰۷۰۶	۰/۷۵۳۹۲	-۰/۳۱۳۴۸	۰/۰۳۷۰۵	-۰/۰۵۱۱۴
Developed	۰/۰۷۴۱۴***	۰/۰۰۷۲۰	۲/۶۸۷۳۰	۰/۱۲۷۷۴	۰/۰۲۰۱۰
Developing	-۰/۱۱۷۵۱***	۰/۰۰۰۰۱	-۴/۴۲۷۸۸	-۰/۰۶۵۷۱	-۰/۱۶۸۶۹
Mixed	۰/۰۲۷۴۲***	۰/۰۰۴۸۰	۲/۸۱۹۸۸	۰/۰۴۶۴۵	۰/۰۰۸۳۶
۱۹۶۰	-۰/۰۷۵۷۳*	۰/۰۷۲۵۳	-۱/۷۹۷۵۷	۰/۰۰۶۹۴	-۰/۱۵۷۳۸
۱۹۷۰	۰/۰۵۳۲۷***	۰/۰۰۰۰۲	۴/۳۰۱۳۷	۰/۰۷۷۴۶	۰/۰۲۹۰۱
۱۹۸۰	۰/۰۲۷۷۲***	۰/۰۰۴۵۳	۲/۸۳۸۵۷	۰/۰۴۶۸۴	۰/۰۰۸۵۸
۱۹۹۰	-۰/۰۰۲۵۷	۰/۷۹۱۸۰	-۰/۲۶۳۹۷	۰/۰۱۶۵۰	-۰/۰۲۱۶۳
۲۰۰۰	-۰/۰۰۰۸۶	۰/۹۲۹۲۵	-۰/۰۸۸۷۹	۰/۰۱۸۰۷	-۰/۰۱۹۷۹
۲۰۱۰	۰/۰۱۶۵۷*	۰/۰۶۹۸۴	۱/۸۱۲۹۲	۰/۰۳۴۴۷	-۰/۰۰۱۳۴

\*\*\*p<۰/۰۱ \*\*p<۰/۰۵ \*p<۰/۰۱

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم افزار CMA

این متغیرها عوامل مؤثر بر ناهمگنی اثر آزادسازی مالی بر توزیع درآمد است. همان‌طور که در جدول ۷ مشخص است، استفاده از شاخص‌های مختلف برای اندازه‌گیری آزادسازی مالی (FDI و Cap Account) می‌تواند اندازه اثر رابطه آزادسازی مالی و نابرابری درآمد را تحت تأثیر قرار دهد؛ به نحوی که ترکیب اندازه اثر مطالعاتی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) را به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته بودند، رابطه منفی و معنادار (۰/۰۸۴-) بین آزادسازی مالی و توزیع درآمد را گزارش می‌دهند (به این معنی که افزایش آزادسازی مالی، نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد و توزیع درآمد بهبود می‌یابد). در سمت دیگر، برآیند نتایج مطالعاتی که شاخص آزادسازی حساب سرمایه<sup>۱</sup> را مدنظر قرار داده بودند، رابطه مثبت و معنادار (۰/۰۳۴۴۴) بین دو متغیر مورد بررسی را نتیجه می‌دهد. همچنین بررسی نتایج متغیرهای مربوط به اندازه‌گیری توزیع درآمد نیز نشان می‌دهد استفاده از شاخص‌های مختلف برای توزیع درآمد می‌تواند موجب اختلاف در نتایج مطالعات منفرد شود. اگر توزیع درآمد با شاخص سهم درآمدی دهک‌های پایین<sup>۲</sup> اندازه‌گیری شده باشد، رابطه بین آزادسازی مالی و نابرابری درآمد منفی و معنادار (۰/۰۷۹۸۳-) است و در صورت استفاده از شاخص‌های

1. Cap Account  
2. Delis

ضریب جینی<sup>۱</sup> و توزیع درآمد با سهم درآمدی دهک‌های بالا<sup>۲</sup>، رابطه‌ی مذکور بین دو متغیر مثبت و بی‌معنی است. دسته‌ی دیگر متغیرها مربوط به در نظر گرفتن یا نگرفتن وقفه در متغیرهای اصلی و استفاده یا عدم استفاده از حالت لگاریتمی برای متغیرها است که همان‌طور که مشخص است، می‌تواند سبب تفاوت در نتایج مطالعات شود.

در قسمت بعدی متغیرها، ضریب مربوط به توسعه‌ی مالی (۰/۰۲۳۳۸-) رابطه‌ی منفی و معنادار نشان می‌دهد و این با نتیجه‌ی دلیس و همکاران (۲۰۱۴) که بیان می‌کنند درجه‌ی توسعه‌ی مالی بر رابطه‌ی آزادسازی مالی و توزیع درآمد اثرگذار است، مطابقت دارد. همچنین متغیر رشد اقتصادی نیز رابطه‌ی منفی و معناداری (۰/۰۵۴۳۶-) را گزارش می‌دهد. برای کانال اثرگذاری بحران مالی بر رابطه‌ی آزادسازی مالی و توزیع درآمد، ضریب بحران مالی مثبت و از نظر آماری معنادار است که نشان می‌دهد یک بحران مالی به فقرا و دیگران با درآمد پایین آسیب خواهد رساند (بالدچی و همکاران، ۲۰۰۲؛ تاونسند، ۲۰۰۲). برآیند مطالعاتی که متغیرهای مربوط به اتحادیه‌های کارگری، اطلاعات جمعیتی نیروی کار، آموزش، توسعه‌ی فناوری و تجارت را در مدل رگرسیونی خود لحاظ کرده بودند، رابطه‌ی مثبت و معناداری را نتیجه می‌دهد. در مورد ورود متغیرهای دموکراسی، کیفیت نهادی، تورم و مخارج دولت، معنادار نبودن اندازه‌ی اثر نشان از این امر دارد که ترکیب نتایج مطالعاتی که این متغیرها را در الگوی رگرسیونی خود وارد کرده‌اند، تأثیر معناداری از تعامل هر یک از این متغیرها با رابطه‌ی آزادسازی مالی و تورم نشان نمی‌دهد.

در سطح معناداری ۵ درصد در کشورهای توسعه‌یافته، رابطه مثبت و قابل توجه است. علاوه بر این، ضریب مرتبط با کشورهای در حال توسعه نیز در این سطح معناداری به‌طور قابل توجهی منفی است. این نتایج نشان می‌دهد تأثیر منفی آزادسازی مالی بر نابرابری درآمد در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. از این‌رو، مطالعاتی که فقط کشورهای در حال توسعه را در نمونه خود در نظر می‌گیرند، به احتمال زیاد کاهش نابرابری درآمد را تجربه می‌کنند و تمایل به حمایت از این ایده دارند که کشورهای در حال توسعه بیش از کشورهای پیشرفته از آزادسازی مالی بهره‌مند می‌شوند (کلمایر، ۲۰۱۵). علاوه بر این، مطالعاتی که ترکیبی از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته را برای نمونه انتخاب کرده بودند، ترکیب نتایج آن‌ها رابطه مثبت و معناداری بین آزادسازی مالی و نابرابری درآمد گزارش می‌دهد. در بخش انتهایی متغیرهای تعدیلگر، دوره‌ی زمانی مدنظر

1. Bottom income share

2. Gini



مطالعات (دهه‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰) مورد توجه قرار گرفته است که نتایج این متغیرها نشان می‌دهد دوره زمانی متفاوت، یکی دیگر از دلایل ناهمگنی در مطالعات منفرد است.

## ۶. نتیجه‌گیری

با توجه به توسعه اقتصاد صنعتی و افزایش جریان‌های بین‌المللی سرمایه بین‌مرزی، آزادسازی مالی یا جهانی‌سازی اقتصادی به یک ویژگی مهم در اقتصاد جهان تبدیل شده است. با وجود این ممکن است توسعه فناوری، رشد درآمد و رشد تولید به نفع همه طبقات در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نباشد. در این راستا، بررسی تأثیر آزادسازی مالی بر نابرابری درآمد اهمیت می‌یابد. همچنین بررسی مطالعات پیشین در حوزه آزادسازی مالی، نتایج متناقضی را در مورد تأثیر این متغیر بر توزیع درآمد نشان می‌دهد. در این راستا، این مطالعه با استفاده از روش متاآنالیز چندسطحی، ناهمگنی و تفاوت موجود در نتایج مطالعات قبلی را بررسی کرد. اندازه اثر متوسط حاصل از برآیند نتایج مطالعات منفرد، فرضیه تعریف‌شده براساس مبانی نظری مبنی بر وجود رابطه منفی و معنادار بین آزادسازی مالی و نابرابری را تأیید کرد. بدین معنا که افزایش آزادسازی مالی، نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد و توزیع درآمد بهبود می‌یابد. علاوه بر این نشان داده شد که عوامل مختلفی از جمله دوره زمانی مطالعات، نمونه کشورها، شاخص مورد استفاده برای اندازه‌گیری آزادسازی مالی و توزیع درآمد و متغیرهای مورد استفاده در مدل رگرسیونی، بر رابطه مذکور اثرگذار هستند و می‌توانند سبب نتایج متفاوت در مطالعات مختلف شوند. متغیرهایی مانند توسعه مالی و رشد اقتصادی می‌تواند اثرگذاری مطلوب آزادسازی مالی بر توزیع درآمد را تقویت کند. بحران‌های مالی می‌تواند حصول نتایج مثبت آزادسازی مالی را با مشکل روبه‌رو سازد و موجب بدتر شدن توزیع درآمد شود. همچنین در کشورهای توسعه‌یافته، رابطه بین دو متغیر مورد بررسی مثبت و معنادار است، اما ضریب مرتبط با کشورهای در حال توسعه به‌طور قابل توجهی منفی و معنادار است. این نتایج نشان می‌دهد تأثیر منفی آزادسازی مالی بر نابرابری درآمد در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. از این‌رو، مطالعاتی که فقط کشورهای در حال توسعه را در نمونه خود در نظر می‌گیرند، به احتمال زیاد کاهش نابرابری درآمد را تجربه می‌کنند و تمایل به حمایت از این ایده دارند که کشورهای در حال توسعه بیش از کشورهای پیشرفته از آزادسازی مالی بهره‌مند می‌شوند. در مورد اعتبار این موارد، با استفاده از آزمون اگر به همراه گزارش نمودار کیفی، نبود تورش انتشار و اعتبار

نتایج متاآنالیز اثبات شد. از نظر پیامدهای سیاستی، تأیید شد که بهبود بازارهای مالی و به دنبال آن توسعه مالی، افزایش تولید و به تبع آن افزایش رشد اقتصادی در هر دو دسته کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته برای اصلاح آزدسازی مالی مهم است.

### منابع

۱. اصغرپور، حسین، سلمان، بهزاد و حکمتی فرید، صمد (۱۳۹۳). تأثیر جهانی‌شدن بر توزیع درآمد در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی. *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ۶، ۱۴۰-۱۲۳.
۲. پایتختی اسکویی، سیدعلی و طبقچی اکبری، لاله (۱۳۹۳). جهانی‌شدن و توزیع درآمد؛ شواهدی از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته. *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن*، ۱۲، ۹۹-۶۹.
۳. سامتی، مرتضی، رنجبر، همایون و اوحدی اصفهانی، سپیده (۱۳۹۰). تحلیل اثر جهانی‌شدن بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب. *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، ۵۹، ۱۸۳-۱۶۳.
۴. عبادی، جعفر و شهیکی تاش، محمدنبی (۱۳۸۵). بررسی نابرابری جریان‌های تجاری، سرمایه‌گذاری و درآمد در جهان به روش ناپارامتریک و دلایل آن (۱۹۶۰-۲۰۰۰). *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۷۲، ۳۰-۱.
۵. نوغانی دخت بهمنی، محسن و میرمحمدتبار، سید احمد (۱۳۹۶). *فرا تحلیل مبانی و کاربردها*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
6. Adams, S. (2008). Globalization and income inequality: Implications for intellectual property rights. *Journal of Policy Modeling*, 30(5), 725-735.
7. Arestis, P. (2004). Cancer. A. Financial Liberalization and Poverty: Channels of Influence, *Levy Economics Institute working paper*, (411).
8. Asteriou, D., Dimelis, S., & Moudatsou, A. (2014). Globalization and income inequality: A panel data econometric approach for the EU27 countries. *Economic Modeling*, 36, 592-599.
9. Baldacci, E., De Mello, L., & Inchauste, G. (2002). Financial crises, poverty, and income distribution. *Macroeconomic Policies and Poverty Reduction*, 269-307.
10. Bong, A., & Premaratne, G. (2019). The impact of financial integration on economic growth in Southeast Asia. *The Journal of Asian Finance, Economics, and Business*, 6(1), 107-119.
11. Borenstein, M., Hedges, L. V., Higgins, J. P., & Rothstein, H. R. (2011). *Introduction to meta-analysis*. John Wiley & Sons.

12. Bumann, S., & Lensink, R. (2016). Capital account liberalization and income inequality. *Journal of International Money and Finance*, 61, 143-162.
13. Cohen, J. (1988). The effect size index: d. *Statistical Power Analysis for the Behavioral Sciences*, 2(1), 77-83.
14. Das, M., & Mohapatra, S. (2003). Income inequality: the aftermath of stock market liberalization in emerging markets. *Journal of Empirical Finance*, 10(1-2), 217-248.
15. Delis, M. D., Hasan, I., & Kazakis, P. (2014). Bank regulations and income inequality: Empirical evidence. *Review of Finance*, 18(5), 1811-1846.
16. Egger, M., Smith, G. D., Schneider, M., & Minder, C. (1997). Bias in meta-analysis detected by a simple, graphical test. *Bmj*, 315(7109), 629-634.
17. Feenstra, R. C., & Hanson, G. H. (1996). Globalization, outsourcing, and wage inequality. *National Bureau of Economic Research*, working paper 5424, 1-13.
18. Furceri, D., & Loungani, P. (2018). The distributional effects of capital account liberalization. *Journal of Development Economics*, 130, 127-144.
19. Furceri, D., Loungani, P., Ostry, J., & Pizzuto, P. (2020). Financial Globalization, Fiscal Policies and the Distribution of Income. *Comparative Economic Studies*, 62(2), 185-199.
20. Giri, A. K., Pandey, R., & Mohapatra, G. (2021). Does Technological Progress, Trade, or Financial Globalization Stimulate Income Inequality in India?. *The Journal of Asian Finance, Economics, and Business*, 8(2), 111-122.
21. Greenland, S., & O'Rourke, K. (2008). *Meta-Analysis*. Page 652 in *Modern Epidemiology*, 3<sup>rd</sup> ed. Edited by Rothman, K. J., Greenland, S., Lash, T., Lippincott Williams and Wilkins; 2008.
22. Harwell, M. (1997). An empirical study of Hedge's homogeneity test. *Psychological Methods*, 2(2), 219.
23. Kim, D. H., Hsieh, J., & Lin, S. C. (2021). Financial liberalization, political institutions, and income inequality. *Empirical Economics*, 60(3), 1245-1281.
24. Kollmeyer, C. (2015). Globalization and income inequality: How public sector spending moderates this relationship in affluent countries. *International Journal of Comparative Sociology*, 56(1), 3-28.
25. Kratou, H., & Goaid, M. (2016). How can globalization affect income distribution? Evidence from developing countries. *The International Trade Journal*, 30(2), 132-158.
26. KUMAR, K., & PARAMANIK, R. N. (2020). Nexus between Indian economic growth and financial development: A non-linear ARDL approach. *The Journal of Asian Finance, Economics, and Business*, 7(6), 109-116.

27. Lee, C. C., Lee, C. C., & Lien, D. (2020). Income inequality, globalization, and country risk: a cross-country analysis. *Technological and Economic Development of Economy*, 26(2), 379-404.
28. Mallick, H., Mahalik, M. K., & Padhan, H. (2020). Does globalization exacerbate income inequality in two largest emerging economies? The role of FDI and remittances inflows. *International Review of Economics*, 67, 443-480.
29. McShane, B. B., & Böckenholt, U. (2018). Multilevel multivariate meta-analysis with application to choice overload. *Psychometrika*, 83(1), 255-271.
30. Mishkin, F. S. (2009). Globalization and financial development. *Journal of development Economics*, 89(2), 164-169.
31. Mundell, R. A. (1957). International trade and factor mobility. *The American Economic Review*, 47(3), 321-335.
32. Ni, N., & Liu, Y. (2019). Financial liberalization and income inequality: A meta-analysis based on cross-country studies. *China Economic Review*, 56, 101306.
33. Nielsen, F., & Alderson, A. S. (1995). Income inequality, development, and dualism: Results from an unbalanced cross-national panel. *American Sociological Review*, 60(5), 674-701.
34. Song, F., Parekh, S., Hooper, L., Loke, Y. K., Ryder, J., Sutton, A. J., & Harvey, I. (2010). Dissemination and publication of research findings: an updated review of related biases. *Health Technology Assessment*, 14(8), 1-220.
35. Stanley, T. D., Doucouliagos, H., Giles, M., Heckemeyer, J. H., Johnston, R. J., Laroche, P., & Rost, K. (2013). Meta-analysis of economics research reporting guidelines. *Journal of Economic Surveys*, 27(2), 390-394.
36. Townsend, R. (2002). Safety nets and financial institutions in the Asian crisis: the allocation of within-country risk. In International Monetary Fund. *Prepared for the IMF Conference on Macroeconomic Policies and Poverty Reduction*, March, 14-15.
37. Ullah, I., Tunio, F. H., Ullah, Z., & Nabi, A. A. (2022). The Impact of Capital Account Openness on Income Inequality: Empirical Evidence from Asia. *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 9(2), 49-59.
38. Zehri, C. (2019). Impact of financial liberalisation on income inequality: A PVAR approach. *Economics and Econometrics Research Institute (EERI)*, Brussels, EERI Research Paper Series 09/2019, 1-28.